

بررسی عوامل گرایش انسان به آرزوهای طولانی از دیدگاه اخلاق اسلامی

حسین جلائی نوبری^۱

^۱ دانشیار، گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران، عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش های بین رشته ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور

چکیده

هر آرزو اگر از حد بگذرد و به صورت آرزوی دور و دراز درآید، بدترین عامل انحراف و بدبختی است و درست همانند آب باران است که اگر از حد گذشت مایه غرق شدن و نابودی خواهد شد. لذا بسیار نیاز هست که عوامل میل به آرزوهای طولانی بررسی شود تا بتوان با سد کردن راه این عوامل، زمینه های اجتناب از آرزوی طولانی را فراهم کرد. مقاله پیش رو جهت بررسی و یافتن علل و عوامل میل به آرزوهای طولانی، به صورت مطالعه کتابخوانه ای گردآوری شده است. تفاوتی که این مقاله با مقالات و کتب دیگری که در این زمینه تألیف شده دارد در این است که در مقاله حاضر آرزوی طولانی از باب های متفاوتی بررسی شده است. هم از منظر قرآن و هم از منظر روایات و نهج البلاغه و هم از منظر دو علم اخلاق و روانشناسی. نتایج به دست آمده بر این دلالات دارند که اسلام نه تنها امید و آرزو را نفی نمی کند و با آن مخالف نیست، بلکه تشویق به داشتن آرزوهای خوب و پسندیده هم می کند. تنها چیزی که اسلام در مورد آرزو نهي کرده و با آن مخالف است، داشتن آرزوی طولانی است.

واژه های کلیدی: آرزو، امید، اسلام، آرزوی طولانی، اخلاق، روانشناسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

انسان به حسب فطرت و طبیعتی که در وجود وی نهاده شده در جستجوی کمال مطلق است و آرزوی رسیدن به کمال را دارد، از این رو نمی توان انسانی را تصور کرد که امید و آرزو نداشته باشد. آرزو رحمتی از جانب خداوند و موتور اصلی زندگی بشر در زندگی روزمره اوست.

طی مطالعاتی که انجام شد در مورد عوامل میل به آرزوی طولانی، در اکثر کتب مطالعه شده مثل بحارالانوار، نزهة النواظر، مجموعه ورام (ترجمه تنبیه الخواطر)، شرح مصباح الشریعة به عوامل محدودی که اکثرا در دو عامل حب دنیا و جهل و بی خبری مشترک هستند اشاره شده است. در مقاله حاضر علاوه بر ذکر آن عوامل به موارد دیگری هم اشاره شده است. نکته دیگر آن تنوع مطالب از منظرقرآن، روایات، نهج البلاغه، اخلاق و روانشناسی است. در واقع وجه امتیاز مقاله پیش رو تجمیع تمام موارد مطالعه و یافته شده یک جا و تنوع آن است.

آرزو اگر از حد بگذرد و به صورت آرزوی دور و دراز درآید، بدترین عامل انحراف و بدبختی است و درست همانند آب باران است که اگر از حد گذشت مایه غرق شدن و نابودی خواهد شد. لذا بسیار نیاز هست که عوامل میل به آرزوهای طولانی بررسی شود تا بتوان با سد کردن راه این عوامل، زمینه های اجتناب از آرزوی طولانی را فراهم کرد.

در این مقاله در پی بررسی عوامل میل به این رذیله از نگاه اخلاق اسلامی داریم.

سوال تحقیق: عوامل میل به آرزوی طولانی چیست؟

هدف تحقیق: بررسی علل میل به آرزوی طولانی. به لحاظ اینکه تصور بر این است که آرزوهای طولانی پیامدهای ناگواری را برای زندگی دنیوی و اخروی انسان دارد لذا میخواهیم عوامل میل به آن احصا شود تا از این پیامد ها جلوگیری به عمل آید.

متن اصلی

انسان با آرزو همزاد است و با آرزو زندگی می کند. شب هنگام به امید و آرزوی روزی سرشار از سعادت و موفقیت به بستر می رود و صبح به امید طلوع دوباره خورشید و روزی توام با سعادت از خواب بر می خیزد. انسان نمی تواند از امید و آرزو و خواسته جدا باشد.

خداوند به مدد ابزارهای وجودی که در اختیار انسان قرارداده، از انسان با «تعالوا» دعوت می کند. چنان چه انسان از قوه وهم و خیال گذر کند و رتبه وجودی خویش را به عقل، مزین و متعالی نماید، با تکیه بر امید مطلوب که از آن به رحمت الهی تعبیر شده است، پویا و متوکل، راه تعالی را در پیش می گیرد و به دعوت خداوند لبیک می گوید. گرچه آرزو و امید، ودیعه های الهی در ضمیر انسان هاست، اما آرزوهای واهی که بدون پشتوانه عقل و عمل، انسان را به خود مشغول می کنند، نتیجه ای جز حسرت و خسران ابدی در پی نخواهند داشت.

انسان به حسب فطرت و طبیعتی که در وجود وی نهاده شده در جستجوی کمال مطلق است و آرزوی رسیدن به کمال را دارد، از این رو نمی توان انسانی را تصور کرد که امید و آرزو نداشته باشد. آرزو رحمتی از جانب خداوند و موتور اصلی زندگی بشر در زندگی روزمره اوست.

«طول امل» و به تعبیر دیگر «آرزوهای دور و دراز» از مهمترین رذایل اخلاقی است که انسان را به انواع گناهان آلوده می کند، از خدا دور می سازد، به شیطان نزدیک می کند و گرفتار عواقب خطرناکی می سازد.

البته اصل «آرزو» و «امید» نه تنها مذموم و نکوهیده نیست، بلکه نقش بسیار مهمی در حرکت چرخ های زندگی و پیشرفت در جنبه های مادی و معنوی بشر دارد.

اگر امید و آرزو در دل «مادر» نباشد هرگز فرزندش را شیر نمی دهد و انواع زحمت ها و ناراحتی ها را برای پرورش او تحمل نمی نماید، همان گونه که در حدیث معروف نبوی صلی الله علیه و آله آمده است: «**الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِّأُمَّتِي وَلَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَلَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا**»؛ امید و آرزو، رحمت برای امت من است و اگر امید و آرزو نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی داد و هیچ باغبانی نهالی نمی کاشت.^۱

کسی که یقین کند مثلاً امروز روز آخر زندگی اوست یا در آینده بسیار نزدیکی از دنیا می رود، دست از همه کار می شوید و در واقع موتور زندگی او خاموش می شود و چرخ های آن از کار می افتد و شاید یکی از دلایل مخفی بودن پایان عمر هر کس همین باشد که چراغ پر فروغ امید و آرزو در دلش خاموش نشود و به تلاش های زندگی ادامه دهد.

همان گونه که در حدیثی از حضرت مسیح(ع) می خوانیم: «در جایی نشسته بود و پیرمردی را مشاهده کرد که با کمک بیل به شکافتن زمین مشغول است(و تلاش گرم و مستمری برای کار کشاورزی دارد) حضرت مسیح(ع) به پیشگاه خدا عرضه داشت: «خداوندا امید و آرزو را از او برگیر!» ناگهان پیرمرد بیل را به کناری انداخت و روی زمین دراز کشید و خوابید، کمی بعد حضرت مسیح(ع) عرضه داشت: «بارالها! امید و آرزو را به او بازگردان!» ناگهان مشاهده کرد که پیرمرد برخاست و دوباره مشغول فعالیت و کار شد! حضرت مسیح(ع) از او سؤال کرد که من دو حال مختلف از تو دیدم، یک بار بیل را به کنار افکندی و روی زمین خوابیدی، اما در مرحله دوم ناگهان برخاستی و مشغول کار شدی!»

پیرمرد در جواب گفت: «در مرتبه اول فکر کردم من پیر و ناتوانم و آفتاب لب بامم، امروز بمیرم یا فردا خدا می داند، چرا این همه به خود زحمت دهم و این همه تلاش کنم؟ بیل را به کنار انداختم و بر زمین خوابیدم!» ولی چیزی نگذشت که این فکر به خاطرم خطور کرد از کجا معلوم که من سال های زیادی زنده نمانم؟ افرادی مثل من بودند و سال ها عمر کردند، انسان تا زنده است زندگی آبرومند می خواهد و باید برای خود و خانواده اش تلاش کند، برخاستم و بیل را گرفتم و مشغول کار شدم»^۲

به همین دلیل برای ایجاد تحرک بیشتر در گروه های مختلف اجتماعی باید امید به آینده را در دل آنها زنده نگه داشت. ولی همین امید و آرزو که رمز حرکت و تلاش انسانهاست و مانند قطرات حیاتبخش باران، سرزمین دل انسان را زنده نگه می دارد، اگر از حد بگذرد به صورت سیلابی ویران گر در می آید و همه چیز را با خود می برد و سرانجام انسان را غرق دنیاپرستی و ظلم و جنایت و گناه می کند.

به همین دلیل پیامبر اکرم(ص) «طول امل» را یکی از دو دشمن بسیار خطرناک برای انسان ها شمرده و فرموده است: «**إِنْ أَشَدَّ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خِصْلَتَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ، فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَإِنَّهُ يُعَدِلُ عَنِ الْحَقِّ، أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَإِنَّهُ يُحِبُّ الدُّنْيَا**»^۳ «شدیدترین چیزی که از آن بر شما می ترسم دو خصلت است: پیروی از هوا و آرزوی طول و دراز؛ زیرا هواپرستی شما را از حق باز می دارد و اما آرزوی دور و دراز شما را حریص بر دنیا می کند»

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۷۳ و همان، ج ۷۴، ص ۱۷۳.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۲۹ (با کمی توضیح).

۳. فیض کاشانی، المحجة البی، ج ۸، ص ۲۴۵.

شبیه همین معنی با کمی تفاوت در نهج البلاغه از امیرمؤمنان علی (ع) آمده است.^۴ معمولاً امید و آرزو، در فرهنگ فارسی، در کنار یکدیگر به کار می روند، اما در زبان عربی به صورت جداگانه با عنوان های (رجا) و (أمل) استعمال می شوند. بنابراین برای پی بردن به دیدگاه اسلام در این باره باید این دو کلیدواژه را مورد بررسی قرار داد.

تفاوت بین آرزو و امید، در این است که امید، عبارت است از خواستن مطلوبی که در آینده، قابل تحقق است و چون قابل تحقق است، ضرورتاً بر واقعیات و یا آنچه که قابل تبدیل به واقعیات باشد، استوار است. لذا امید، آن پدیده روانی ای است که هر چه بیشتر بر واقعیات و حقایق تکیه داشته باشد، مفیدتر و محرک تر خواهد بود. لذا آرزو، نوعی خواستن است که «خواسته شده» فعلاً تحقق ندارد و از عوامل و عللی که ممکن است آن «خواسته شده» را در آینده، تحقق ببخشد اثر و نشانی وجود ندارد. به همین جهت است که انسان برای آرزوهای دور و دراز، مجبور است انرژی های مغزی خود را در ساختن مصنوعی علل و عوامل و جابه جا کردن حقایق و حذف و انتخاب نامعقول واقعیات، مستهلک نماید. در صورتی که این نیروها و انرژی های به کار رفته شده، ممکن است آرمان های بسیار مفیدتر و ضروری تر از آن خواسته های آرزویی را تحقق ببخشد.^۵

امید، موتور حرکت انسان است. امید به خداوند، ثواب اخروی و امید به عنایات الهی، از جمله فضایل اخلاقی است. آنچه نابه جا و ناشایست است، آرزوهای طولانی و خیال پردازانه دنیوی است. پس مؤمن واقعی، با این که همیشه امیدوار است، آرزوهای پست دنیوی را نیز در مغزش جای نمی دهد؛ چون مغز وی، شریف تر از آن است که بخواهد درباره آرزوهای پست دنیایی بیندیشد. او یکپارچه امید به خداوند و تقرب به اوست.^۶

۱- آرزو در نگاه قرآن

در جهان بینی الهی، آرزوها در خدمت بشر برای رسیدن به کمال انسانی می باشند و اراده خداوند علت اصلی رسیدن به آرزوهاست ولی در جهان بینی مادی، بشر در خدمت آرزوها و هواهای نفسانی خویش است. با توجه به این مطلب آرزوها در قرآن به دو گروه تقسیم می شوند: آرزوهای خوب و پسندیده که مربوط به کسانی است که زندگی خود را بر پایه جهان بینی الهی بنا نهاده اند و آرزوهای ناپسند که مربوط به افرادی است که جهان بینی مادی را پذیرفته اند.

۱-۱ آرزوهای خوب و پسندیده

امید و آرزوی پسندیده، دل بستن به آینده ای است که دسترسی به آن معقول است و با تلاش می توان به آن رسیده و این یک امر فطری است.

در این صورت بدون شک، امید و آرزو عامل حرکت چرخ های زندگی انسان ها است که حتی اگر یک روز از دل های مردم برداشته شود نظام زندگی به هم می ریزد و کمتر کسی دلیلی برای فعالیت و تلاش خود پیدا می کند. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» لهر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد، و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۴۲؛

۵. جلاری، تفسیر نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۷۵-۲۷۶؛

۶. ره توشه، ج ۲، ص ۱۰۴؛

کهف: ۶۱۰.

آرزوهای پسندیده شاخص‌هایی دارد مثل واقعی بودن، قابل تحقق بودن، عاقلانه و منطقی بودن، مشروع بودن، در بردارنده سعادت و کمال نهایی انسان بودن.

۱-۲ آرزوهای ناپسند

آرزوهای ناپسند به دل‌بستگی‌هایی گفته می‌شود که بیشتر ذهنی، غیرمعقول، کودکانه و دسترسی به آن‌ها بسیار بعید است.

آرزو اگر از حد بگذرد و به صورت آرزوی دور و دراز درآید، بدترین عامل انحراف و بدبختی است و درست همانند آب باران است که اگر از حد گذشت مایه غرق شدن و نابودی خواهد شد.

این آرزوی کشنده همان است که قرآن کریم می‌فرماید: «رَبِّمَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ * ذَرُّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» لچه بسا کسانی که کافر شدند آرزو کنند که کاش مسلمان بودند* بگذارشان تا بخورند و برخوردار شوند و آرزو[ها] سرگرمشان کند، پس به زودی خواهند دانست.

شاخص‌های آرزوهای ناپسند درست ضد شاخص‌های آرزوهای پسندیده است. بعلاوه اینکه آرزوهای ناپسند آثاری همچون غفلت از یاد خدا، بازداشتن از حقایق، فراموشی از مرگ و قیامت، به بطالت گذراندن عمر، اضطراب و تشویش خاطر دارد.

۲- آرزو در نگاه روایات

عمده روایاتی که درباره آرزو وارد شده از آن منع کرده اند، اما زمانی که همه روایات در کنار هم قرار گرفته و بررسی می‌شوند نکته ای زیبا بدست می‌آید که نشانگر دیدگاه واقع‌گرایانه اسلام در این زمینه است.

آنچه در اسلام مورد نکوهش واقع شده «طول امل» یعنی آرزوهای غیر معقول و غیرمنطقی و دور از دسترس است که معمولاً جز غم و غصه و حسرت و غلطیدن به ورطه گمراهی و دور شدن از حدود شرع و چارچوب دین ثمری ندارد.

برخی از روایاتی که از طول امل نهی کرده و به بعضی از آثار آن اشاره کرده است عبارتند از:

حضرت علی (ع) فرمودند: «إِنَّمَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَتَيْنِ: إِتِّبَاعَ الْهَوَى وَطُولَ الْأَمَلِ، أَمَّا إِتِّبَاعُ الْهَوَى فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ» من بر شما از دو چیز می‌ترسم؛ پیروی هوس، و آرزوی دراز، زیرا پیروی از هوس شما را از حق باز می‌دارد و آرزوی دراز باعث فراموشی آخرت می‌شود.^۹

آن حضرت در کلام نورانی دیگری می‌فرماید: «مَا أَطَالَ عَبْدٌ الْأَمَلَ إِلَّا أَسَاءَ الْعَمَلَ» کسی که آرزو را دراز گرداند، رفتار خود را ضایع و بد ساخته است.

و نیز حضرت در کلام گهر بار دیگری فرمود: «آرزوهای دراز عقل انسان را می‌برد و وعده

آخرت را دروغ می‌شمرد و انسان را به غفلت وامی‌دارد و سرانجام آن، حسرت و ندامت است.»^{۱۱}

۳- اقسام آرزو در اخلاق اسلامی

علمای اخلاق آرزو را بر دو قسم تقسیم می‌کنند: آرزوهای صادق و آرزوهای کاذب

۹. حجر: ۲-۳.

۱۰. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۳۵.

۱۱. همان، ج ۳، ص ۲۵۹.

۱۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۰۳ (ماده امل).

آرزوهای صادق، مثبت و سازنده که همچون آب حیات، وجود آدمی را سیراب و پرثمر ساخته و نشاط و معنویت انسان را بیشتر می‌کنند.

آرزوهای کاذب و دور و دراز، و به تعبیر دیگر طول امل که از مهم‌ترین رذایل اخلاقی بوده و انسان را از خدا دور ساخته و به انواع گناهان آلوده می‌کنند. این آرزوها همچون سراب در بیابان زندگی ظاهر می‌شوند و هر لحظه انسان را تشنه تر می‌سازند تا از شدت تشنگی هلاک سازند.

۴- نقش آرزو در زندگی

البته اصل آرزو و امید نه تنها مذموم و نکوهیده نیست، بلکه نقش بسیار مهمی در حرکت چرخ‌های زندگی و پیشرفت در جنبه‌های مادی و معنوی بشر دارد. همان گونه که در حدیث معروف نبوی آمده است: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَوَلَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَكَدَهَا وَلَا غَرْسَ غَارِسٌ شَجْرًا» «امید و آرزو، برای امت من رحمت است و اگر امید و آرزو نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت. از این به بعد را به بررسی علل آرزوی طولانی خواهیم پرداخت.

۵- اسباب آرزوهای دراز

۱-۵ جهل و بی‌خبری

جهل انسان نسبت به دنیا، قدرت و لطف خدا، آخرت و نعمت‌های بی‌پایان آن و همچنین نسبت به وضع خویش و عدم توجه به این حقیقت که هر لحظه ممکن است پایان عمر او فرا رسد، او را به وادی آرزوهای دراز می‌کشاند. امام علی (ع) می‌فرماید: «اتَّقُوا خِدَاعَ الْأَمَالِ فَكَمْ مِنْ مُؤَمِّلٍ يَوْمَ لَمْ يُدْرِكْهُ وَبَانِي بِنَاءٍ لَمْ يَسْكُنْهُ وَجَامِعٍ مَالٍ لَمْ يَأْكُلْهُ»^{۱۴} «از فریب آرزوها بپرهیزید. چه بسیار کسانی که آرزو داشتند روزی را (در آغوش ناز و نعمت بگذارند) و هرگز به آن نرسیدند. چه بسیار کسانی که خانه و قصری ساختند ولی هرگز در آن ساکن نشدند و چه بسیار کسانی که اموال زیادی اندوختند ولی هرگز از آن نخوردند.

نراقی در معراج السعاده می‌فرماید:

«و سبب این صفت خبیثه دو چیز است:

یکی جهل و نادانی است، چون جاهل، اعتماد می‌کند بر جوانی خود و با وجود عهد شباب، مرگ خود را بعید می‌شمارد. و بیچاره مسکین ملاحظه نمی‌نماید که اگر اهل شهرش را بشمارند صد یک آن پیر نیستند و پیش از آمدن زمان پیری به چنگ گرگ اجل گرفتار گشته‌اند. تا یک نفر پیر می‌میرد هزار کودک و جوان مرده. «^{۱۴}

۲-۵ حب دنیا

۱. مجلایا، بحار الانوار، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۱۱۷۳.

۲. آمدی تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۳.

۳. نراقی، معراج السعاده، صفت بیست و چهارم: طول امل و اسباب آن.

هنگامی که دلبستگی نسبت به ظواهر دنیا جای «زهد» را گرفت و انسان در زرق و برق دنیا غرق شد کم کم از خدا غافل می‌شود و زشتی‌ها در نظرش به صورت زیبایی جلوه می‌کند و او را گرفتار آرزوهای دور و دراز می‌سازد، لذا حق را به دست فراموشی سپرده و به آن پشت می‌کند.

غزالی به شرح این علت پرداخته، می‌گوید: انسان به آرزوهای باطل علاقه مند است؛ و همیشه نفسش را به آنچه که موافق اوست وعده می‌دهد؛ و البته آنچه که موافق با مراد اوست، بقای در دنیاست، از این رو، همیشه در توهم آن به سر می‌برد و در درونش آن را ارزیابی می‌کند و به توابع بقا و نیازهای آن- از قبیل مال، خاندان، خانه، دوستان، حیوانات و سایر اسباب و علل دنیا- می‌اندیشد و قلبش همیشه به این فکر مشغول است. و اگر گاهی مرگ و نیاز به آمادگی آن برای او پیش آید، امروز و فردا می‌کند و نفس را وعده می‌دهد و می‌گوید: روزگار نزد توست و فرصتی هست تا در بزرگی توبه کنی. و وقتی که به بزرگی رسید، می‌گوید: تا پیرشدن فرصت داری. و وقتی که پیر شد، می‌گوید: تا زمانی که از ساختن این خانه فارغ شوی و یا از این سفر بازگردی و یا از رسیدگی به کار این فرزند و تهیه مسکنی برای او یا از غلبه بر دشمنی که شامت می‌کند، فارغ شوی، پیوسته امروز و فردا می‌کند و به کاری نمی‌پردازد، مگر این که به دهها شغل دیگر هم دلبستگی دارد. بدین ترتیب روز به روز می‌گذرد و از شغلی به شغلی دیگر تا این که آرزو در زمانی که تصور نمی‌کند، وی را می‌رباید و تنها حسرتش بر او می‌ماند. اصل این آرزوها دنیا دوستی و غفلت از معنای سخن حضرت (ص) است: «أَحْبَبُ مَنْ شِئْتِ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ» دوست بدار کسی را که دوست داری، که از او جدا خواهی شد.

۵-۳ حرص و طمع

حرص و طمع از خصائص ردیله ای است که هر چه در انسان قوت بگیرد سبب اقبال بیشتر او به دنیا می‌شود. طمع ریشه در افراط در لذت‌گرایی دارد و از جمله ردائلی است که تا لحظه مرگ دست از انسان برنمی‌دارد. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «يَهْرَمُ ابْنُ آدَمَ وَ يَشِبُّ فِيهِ اثْنَتَانِ الْحِرْصُ وَ طُولُ الْأَمَلِ». پیر می‌شود فرزند آدم و جوان و قوی می‌شود در او دو صفت یکی حرص و دیگری طول اهل که آرزوهای دور و دراز باشد

امام خمینی فرموده است: «معلوم است خود حرص و لازم و ملزوم آن از احتجاب فطرت و از جنود جهل و ابلیس است، و خود آن شرّ و از لوازم شرّ است و منتهی به شرّ شود، و کمتر چیزی انسان را مثل آن به دنیا نزدیک کند، و از حق تعالی و تمسک به ذات مقدّسش دور و مهجور نماید.»^{۱۷}

حرص (علت آرزوی طولانیست)؛ چرا که غفلت از دوست موجب غفلت از مردن و غفلت از مردن علت حرص و طول امل است.^{۱۸}

۱۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۵.

۱۶. معدن الجواهر، ص ۴۵.

۱۷. خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، متن، ص ۲۱۷.

۱۸. إفتاح الحقیقه، ج ۲، ص ۱۵۵.

۴-۵ نفس اماره

آرزوهای طولانی از دام های شیطان و نفس اماره است، نفس از درون و شیطان از بیرون، انسان را به سوی آرزوهای طولانی فرا می خوانند. پس برای مقابله با آن ها باید به خدا پناه برد و از او درخواست یاری کرد. مولای متقیان در این باره میفرماید: « فِي كُلِّ أَمْرٍ وَاحِدَةٍ مِنْ ثَلَاثِ الطَّيْرِ وَالْكَبِيرِ وَالْتَمَنِّي فَإِذَا تَطَيَّرَ أَحَدُكُمْ فَلْيَمُضِ عَلَى طَيْرَتِهِ وَلْيَذْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَإِذَا خَشِيَ الْكِبْرَ فَلْيَأْكُلْ عَبْدِهِ وَخَادِمِهِ وَلْيَحْلُبِ الشَّاةَ وَإِذَا تَمَنَّى فَلْيَسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَبِيْتَهْلِ إِلَيْهِ وَلَا يُنَازِعْهُ نَفْسَهُ إِلَى الْإِثْمِ»^{۱۹} در هر کس یکی از این سه خصلت هست: تکبر، بدفالی، آرزوی بی جا. هرگاه یکی از شما گرفتار تکبر شد، با بنده و خدمتکارش هم غذا شود، و گوسفند بدوشد؛ و چون فال بد زد بدان اعتماد نکند و نام خدا را ببرد و کار را بگذراند؛ و چون آرزوی بی جایی کرد از خدا درخواست کند و خود را به دست نفس اماره ندهد که او را به گناه کشاند.

۵-۵ فراموشی یاد مرگ

به هوش باشید! ناپودکننده لذات و بر هم زنده کامیابی ها و قطع کننده آرزوها (یعنی مرگ را) بسیار بخاطر بیاورید!
« هَادِمَ اللَّذَاتِ وَمُنْعَصَ الشَّهَوَاتِ وَقَاطِعَ الْأُمِّيَّاتِ »^{۲۰} همان ! آنگاه که به کارهای زشت شتاب می آرید، بر هم زنده لذت ها، تیره کننده شهوت ها و برنده آرزوها را به یاد آرید.

« أَكْثَرُ النَّاسِ أَمْلًا أَقْلُهُمْ لِلْمَوْتِ ذِكْرًا »^{۲۱} کسی که از همه بیشتر آرزودار از همه کمتر به یاد مرگ است.

انسان اگر متوجه به مرگ و به فرموده پیامبر اسلام (ص) عنایت به هادم اللذات داشته باشد، دلش دچار طول امل نمی گردد، بلکه در تمام دوران حیات جز دنبال دنیای حلال آن هم به قدر ضرورت نخواهد رفت و با حرارت ایمان و عمل صالح و غرق شدن در عبودیت و اطاعت حق، برای خود در این دنیا کسب حیات طیبه کرده و زاد و توشه برای آخرت خود مهیا خواهد نمود و با کوتاه کردن بند آرزو و یاد مرگ از دست دشمن خطرناک خود یعنی شیطان نجات یافته آسوده خواهد گشت!^{۲۲}

امام علی (ع) در پیامی به یاد آوری مرگ و قبر اشاره می فرماید که فراموش کردن آن موجب «طول امل» و غرق شدن در زرق و برق دنیاست!^{۲۳}

در جای دیگر می فرمایند: « مَنْ أَيْقَنَ أَنَّهُ يُفَارِقُ الْأَحْبَابَ، وَيَسْكُنُ التُّرَابَ، وَيُوَاجِهُ الْحِسَابَ، وَيَسْتَعْنِي عَمَّا خَلْفَ، وَيَفْتَقِرُ إِلَى مَا قَدَّمَ، كَانَ حَرِيًّا بِقَصْرِ الْأَمَلِ وَطُولِ الْعَمَلِ »^{۲۴} هر کس یقین داشته باشد از دوستان جدا خواهد شد، در دل خاک خواهد خفت، حساب و کتابی در پیش دارد، آنچه بر جای می گذارد به کارش نخواهد آمد، به آنچه پیش فرستاده نیازمند است. بنابراین رشته آرزو را کوتاه و دامنه عمل را بیشتر گرداند.

۶-۵ میل به جاودانگی

۱. قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۹۱؛ حویزی عروسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۷۴؛ بابویه قمی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۶۲۴.

۲. نهج البلاغه، ج ۹۸.

۳. شرح غرر الحکم: ج ۲، ص ۴۰۹، ج ۳، ص ۳۰۵۳.

۴. انصاریان، عرفان لایلامی تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ج ۲، ص ۵۰۰.

۵. حکارم شیرازی، پیام امام امیر المومنین علیه السلام، ج ۶، ص ۷۴.

۶. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۶۷.

در سه آیه اول سوره همزه سخن از دنیاپرستان خودخواه با آرزوهای دور و دراز است، می فرماید: «وای بر هر عیبجوی مسخره کننده ای - همان کس که مال و ثروت (عظیمی) را جمع آوری و شماره کرده است (بی آنکه حساب مشروع و نامشروع را بکند) و گمان می کند اموالش سبب جاودانگی اوست!»، «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ»^{۲۶}

در واقع این سه آیه علت و معلول یکدیگرند، چرا که این انسان بی خبر و خودبین و خودپسند دیگران را استهزاء می کند، به خاطر آنکه ثروت عظیمی برای خود از طرق نامشروع فراهم ساخته، چرا دست به جمع چنین ثروتی زده؟ به خاطر اینکه می پندارند داشتن چنین ثروتی به او جاودانگی می دهد، این پندار که با «طول امل» و آرزوهای دراز همراه است سبب غرور و خودبرتربینی می شود و آن هم به نوبه خود سبب استهزاء و عیب جویی نسبت به دیگران است.^{۲۷}

از این آیه به خوبی می توان استفاده کرد که آرزوهای دراز گاهی به حدی می رسد که انسان مرگ را به کلی فراموش کرده، خود را جاودانه می پندارد و همین امر سبب طغیان و سرکشی او می شود و آن طغیان سرچشمه گناهان دیگری می گردد.

۵-۷ مکر شیطان وزیبا نشان دادن اعمال توسط او

در آیه پیش رو، سخن از گروهی است که حق را شناختند و سپس به آن پشت کردند و از آن اعراض نمودند، می فرماید: «کسانی که بعد از روشن شدن حق به آن پشت کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است!»، «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ»^{۲۸}

«املی لهم» از ماده «ملاء» به معنی پدید آوردن آرزوهای دور و دراز است که انسان را به خود مشغول می دارد.

در واقع آیه ناظر به این حقیقت است که چگونه ممکن است یک انسان حق را بشناسد و باور کند سپس آن را نادیده بگیرد و به آن پشت کند و راه نجات خود را ببیند با این حال از بی راهه برود!

آیا می توان باور کرد انسان عاقلی چنین کند؟! آری! هنگامی که تسویلات شیطان انسان را احاطه کند و زشتی ها را در نظرش به صورت زیبایی ها نشان دهد و او را گرفتار آرزوهای دور و دراز سازد، بعید نیست حق را به دست فراموشی بسپارد و به آن پشت کند.

از اینجا می توان دریافت که آرزوهای طولانی چه بلایی بر سر انسان می آورد و چگونه انسان عاقل را به کلی از عقل و خرد بیگانه می کند؟!

قرآن مجید در جایی دیگر می گوید: یکی از دامهای مهم شیطان همین طول امل است:

. این احتمال نیز در تفسیر «عده» داده شده است که منظور شمارش کردن نیست، بلکه مال و وسیله و «عده» خود قرار دهد و در همزه^{۲۹} حال بر آن تکیه نماید.

همزه: ۱-۳

. «همزه» و «لمزة» هر دو صیغه مبالغه است، اولی از ماده «همز» به معنی شکستن گرفته شده و دومی از ماده «لمز» به معنی غیبت^{۳۰} و عیب جویی کردن است، بعضی معتقدند «همزه» به کسی می گویند که با اشارات عیبجویی می کند و «لمزة» به کسی که با زبان این کار را انجام می دهد.

دمحم: ۲۴۵

«وَقَالَ لَاتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا* وَلَا ضَلِيلًا وَلَا مَنِيعًا وَلَا مَرْتَبًا ... يَعِدُهُمْ وَيَمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» شیطان چنین گفته که از بندگان خود سهم معینی خواهم گرفت؛ آنها را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم و به آنها فرمان می‌دهم ... شیطان به آنها وعده‌های دروغین می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد و جز فریب و نیرنگ به آنها فرمان نمی‌دهد.

۵-۸ حماقت

این قسمت را از زبان روایات نگاه می‌کنیم.

قال علی (ع) «مَنْ أَلْحَمَقِيَ أَلْتَّكَالَ عَلَى الْأَمَلِ» تکیه بر آرزو کردن، نشانه نادانی است.

قال الصادق (ع) «الْعَاقِلُ يَعْتَمِدُ عَلَى عَمَلِهِ، الْجَاهِلُ يَعْتَمِدُ عَلَى أَمَلِهِ» اشخاص عاقل به سعی و کوشش خود تکیه می‌کنند، ولی انساهای نادان به آمال و آرزوهای خویش متکی هستند.

۵-۹ فساد عقل

قال علی (ع) «كَثْرَةُ الْأَمَانِي مِنَ فَسَادِ الْعَقْلِ» آرزوهای زیاد، ناشی از فساد عقل است.

عن موسی بن جعفر (ع) «يَا هِشَامُ، مَنْ سَلَطَ ثَلَاثًا عَلَى ثَلَاثٍ، فَكَانَ أَعَانَ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ: مَنْ أَطْلَمَ نُورَ تَفَكُّرِهِ بِطُولِ أَمَلِهِ، وَ مَحَا طَرَائِفَ حِكْمَتِهِ بِفُضُولِ كَلَامِهِ، وَأَطْفَأَ نُورَ عِبْرَتِهِ بِشَهْوَاتِ نَفْسِهِ، فَكَانَ أَعَانَ هَوَاهُ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ، وَ مَنْ هَدَمَ عَقْلَهُ، أَفْسَدَ عَلَيْهِ دِينَهُ وَ دُنْيَاهُ» می‌فرماید: هر کس سه چیز را بر سه چیز مسلط سازد، به ویرانی عقلش کمک کرده است:

آنکه نور تفکرش را به آرزوی درازش تاریک کند

و آنکه شگفتی‌های حکمتش را به گفتار بی‌بوده‌اش نابود کند

و آنکه پرتو اندرز گرفتن خود را به خواهش‌های نفسش خاموش کند.

(هر که چنین کند) گویا هوس خود را بر ویرانی عقلش کمک داده و کسیکه عقلش را ویران کند دین و دنیای خویش را

ساخته است.

۵-۱۰ پیری

آرزوها با پیری تو جوان تر می‌شوند

قال النبی (ص): «يَهْرَمُ ابْنُ آدَمَ وَ يَبْقَى مَعَهُ اثْنَانِ الْحِرْصُ وَ طَوْلُ الْأَمَلِ»^۴ گرموندند: انسان پیر می‌شود و دو چیز در او زنده

و جوان می‌شود: یکی حرص و دیگری آمال و آرزوهایش.

۵-۱۱ عمل سوء

امام علی (ع) «أَطْوَلُ النَّاسِ أَمَلًا أَسْوَأُهُمْ عَمَلًا» آرزومندترین مردم، بد کردارترین مردم است.

۱. نساء: ۱۱۸-۱۲۰.

۲. آمدی، غررالحکم، ص ۲۷۶.

۳. همان، ص ۴۳.

۴. همان، ص ۶۵.

۵. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۷.

۶. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۳۹.

حسن بصری مکرر می‌گفت: هیچ کس، گرفتار طول امل نمی‌شود مگر اینکه اعمالش بد می‌شود.^{۳۶}

۵-۱۲ حب نفس

حضرت امام (ره) در شرح چهل می‌فرمایند: «این طول امل که من و تو داریم، که از حبّ نفس و مکاید شیطان و شاهکارهای آن ملعون است، به طوری ما را از توجه به عالم آخرت باز داشته که در فکر هیچ کار نیفتیم.»^{۳۷}

۵-۱۳ سودا

در علل الشرایع آمده است که:

«و هر دو (از آب و خاک شیرین و شور و تلخ) را بیکدیگر مخلوط کرد و در پای عرش آنها را جای داد، ... و پس از این طبیعت‌ها بدن آدم (و اولاد او) تمام و کامل گردید، و بواسطه سودا زنده بودن را دوست داشت و حرص و طول امل پیدا کرد».^{۳۸}

۵-۱۴ شهوت

«و قُوَّةُ الْهَوَى مِنَ الشَّهَوَاتِ»^{۳۹} و قوت هوا و زور آن، از شهوت نفس است. یعنی: پیروی کردن لذت‌های نفسانی و مرتکب شدن شهوت‌های جسمانی، قوت می‌دهد هوای نفس را، زیاد می‌کند طول امل و آرزوها را.

روشن است که «هوی پرستی» و «طول امل» با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند، هوا پرستی سرچشمه طول امل است و طول امل نیز سرچشمه هوا پرستی مجدد و سرانجام طول امل سبب غفلت از خدا و سرای دیگر می‌شود.^{۴۰}

۵-۱۵ فریبکاری دنیا

حضرت امیرالمومنین (ع) در دعای شریف کمیل می‌فرماید: «اللَّهُمَّ عَظَمَ بِلَائِي وَ أَفْرَطَ بِي سُوءَ حَالِي وَ قَصُرَتْ قَصْرَتِي بِبِي أَعْمَالِي وَ قَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي وَ حَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي (آمالی) وَ خَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا»^{۴۱} (خدایا بلایم بزرگ است و بدی حالم از حد گذشته. زنجیرهای علایق مرا خانه نشین کرده و آرزوهای دور و دراز مرا از رسیدن به منافعم باز داشته و دنیا با ظاهر فریبنده اش مرا فریب داده است).

نکته ظریف در این قسمت از دعا آنست که، هر فراز، علت فراز قبلی می‌باشد. بدین بیان که، بلای عظیم برای انسان، آن است که دچار بد حالی گردد، علت بد حالی انسان صدور اعمال ناقص از سوی وی می‌باشد، حال دلیل این امر، وجود علایق نفسانی و آرزوهای طول و دراز است و در نهایت آنکه علایق نفسانی و آرزوهای طولانی نشأت گرفته خدعه و نیرنگ دنیا به انسان است که سر منشأ تمام گرفتاریها و بدبختی‌ها می‌باشد.

۳۶. شرح غرر الحکم: ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۴۰۵۴.

۳۷. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام: آداب و اخلاق در اسلام، ص ۲۶۹.

۳۸. امام خمینی، شرح چهل فحدیث ص ۲۷۵.

۳۹. علل الشرائع / ترجمه مسترحمی، النص، ص ۴۳۳.

۴۰. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۲ و شرح مصباح الشریعة / ترجمه عبد الرزاق گیلانی، ص ۴۵۱.

۴۱. حکارم شیرازی، پیام امام امیر المومنین علیه السلام، ج ۲، ص ۴۶۵.

دعای کمیل!

بر طبق فراز ارائه شده از دعای کمیل، گرفتار آمدن در فریب دنیا منجر به تمایل بیش از حد انسان به بهره مندی از لذات دنیا و طولانی شدن این آرزوها می باشد. در حالی که هیچگونه ضمانتی برای طولانی شدن عمر انسان وجود ندارد.

امیرالمومنین (ع) در بیان علت طولانی شدن آرزوها، دنیا طلبی را عامل آن معرفی می نمایند: «مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا فَقَدْ أَصْبَحَ لِقَضَاءِ اللَّهِ سَاحِطًا وَمَنْ أَصْبَحَ يَشْكُو مُصِيبَةً نَزَلَتْ بِهِ فَقَدْ أَصْبَحَ يَشْكُو رَبَّهُ وَمَنْ أَتَى غَنِيًّا فَتَوَاضَعَ لَهُ لِيُغْنَاهُ ذَهَبَ ثُلُثًا دِينِهِ وَمَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَمَاتَ فَدَخَلَ النَّارَ فَهُوَ مِمَّنْ كَانَ يَتَّخِذُ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَمَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاطَّ قَلْبُهُ مِنْهَا بِثَلَاثِ هَمٍّ لَا يُعْبَهُ وَ حِرْصٍ لَا يَتْرُكُهُ وَ أَمَلٍ لَا يُدْرِكُهُ.»^{۴۲} کسی که از دنیا اندوهناک می باشد، از قضاء الهی خشمناک است. و آن کس که از مصیبت وارد شده شکوه کند از خدا شکایت کرده. و کسی که نزد توانگری رفته و به خاطر سرمایه اش برابر او فروتنی کند، دو سوم دین خود را از دست داده است. و آن کس که قرآن بخواند و وارد آتش جهنم شود حتماً از کسانی است که آیات الهی را بازیچه قرار داده است. و آن کس که قلب او با دنیا پرستی پیوند خورد، همواره جانش گرفتار سه مشکل است: اندوهی رها نشدنی، حرصی جدا نشدنی، و آرزویی نایافتنی.

ایشان در بیانی دیگر، حرص و ولع در بدست آوردن و مصرف نعمت های دنیوی را علت آرزومندی معرفی نموده اند: «بدان که تو به همه آرزوهای خود نخواهی رسید و تا زمان مرگ بیشتر زندگی نخواهی کرد و بر راه کسی می روی که پیش از تو می رفت، پس در بدست آوردن دنیا آرام باش و در مصرف آنچه به دست آورده ای نیکو عمل کن.»

در مذمت آرزوهای دروغین و طولانی می توان به احادیث ذیل از حضرت رسول (ص) اشاره نمود: «دروغ ترین چیز آرزوست.»؛ «زیانکارترین کس آن است که عمر خویش به آرزو سپری کند ولی روزگار یاریش نکند و از دنیا بی زاد و توشه برود.»؛ «متقدمان این امت با یقین و زهد خویش رستگار می شوند و متاخرانش با بخل و آرزوی دراز تباہ می شوند.»

۵-۱۶ امید

آرزوی دور یا طولانی که در ادبیات دین بیشتر با واژه «أمل» شناخته می شود، ریشه در امید دارد و امید، لازمه زندگی است؛ اما مهم این است که این ویژگی، از حد خارج نگردد و به بیراهه کشیده نشود. آن جا که از آرزو به صورت منفی یاد شده، مربوط به مواردی است که دچار آفت شده است. این کاربرد منفی از آرزو در مواردی به کار می رود که چند ویژگی داشته باشد: اولاً پی در پی باشد و در هیچ حدی از آرزوها توقف نداشته باشد و با به دست آمدن هر آرزویی، آرزوی دیگر به وجود می آید. ثانیاً موضوع آرزوها غیر واقعی و دست نیافتنی باشد. این می تواند یا به دلیل پایان ناپذیری آرزوهای فرد باشد- که بدان اشاره شد- و یا به دلیل جنس آرزوی فرد باشد. برخی آرزوهای افراد در دنیا قابل دستیابی نیستند «۱» و یا سطح آرزوهای برخی افراد، فراتر از عمرشان است.^{۴۳}

۵-۱۷ سه اصل

« وَ أَسْلُ عَلَامَاتِ الْهَوَى مِنْ أَكْلِ الْحَرَامِ وَ الْغَفْلَةِ عَنِ الْفَرَائِضِ وَ الْإِسْتِهَانَةِ بِالسُّنَنِ وَ الْخَوْضِ فِي الْمَلَاهِي »^{۴۴} می فرماید که: سبب حدوث هوی و طول امل، سه چیز است: یکی- خوردن حرام و اجتناب نمودن از حرام و مغشوش.

نهج البلاغه، حکمت ۴۲۸؛

. لذا در برخی روایات از «طول الأمل» یاد شده است (ک.ر. : الالامی شادکامی)؛

. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، ج ۱۱ ، ص ۴۱۲؛

دوم- مسامحه کردن در فرایض و واجبات، سهل گرفتن آنها، خواه ترک کردن، یا کردن و خوب نکردن، و آداب و قواعد آن را اهتمام نمودن.

سوم- فرو رفتن در ملاحی و مکروهات، و کارهای لغو و بی‌فایده کردن.^{۴۵}

نتیجه گیری

در باب عوامل میل به آرزوهای طولانی از آنجایی که انسان به امید و آرزو زنده است و این خود یک موتور محرک برای زندگی او است لازم است که بیشتر به این مساله و عوامل موثر در آن پرداخته شود. با توجه به آیات و روایات، اسلام نه تنها با امید و آرزو مخالف نیست؛ بلکه همواره پیروان خود را به داشتن امید و آرزوهای خوب و پسندیده در زندگی تشویق می‌کند. اما آنچه که آیات و روایات گوناگون ما را از آن نهی کرده اند، داشتن آرزوی طولانی است؛ یعنی آرزوهایی که متناسب با میزان توانایی و استعداد و در محدوده قدرت و حتی عمر کوتاه ما نمی‌باشد که باید با شناخت عوامل میل به آن سعی در اجتناب و دوری از این رذیله اخلاقی داشت.

از جمله عواملی که سبب میل به آرزوی طولانی می‌شود و در این مقاله احصا شده است این موارد می‌باشد: جهل و بی‌خبری، حب دنیا، حرص و طمع، عدم یقین، نفس اماره، فراموشی یاد مرگ، میل به جاودانگی، مکر و تزویر شیطان، حماقت، فساد عقل، پیری، عمل سوء، حب نفس، طبع و مزاج سودا، شهوت نفس، امید، فریبکاری دنیا و سه اصل خوردن حرام، مسامحه کردن در فرائض و واجبات، فرو رفتن در ملاحی و مکروهات و کارهای لغو.

منابع و مأخذ

قرآن

نهج البلاغه

امینیان، مهدی، « حب دنیا، آرزوی طولانی، خسران آخرت »، پایگاه اینترنتی بصیرت، تیر ۱۳۸۷ ه.ش.

انصاریان، حسین، عرفان اسلامی،

آمدی تمیمی،

پیشگر، امید، « چرا آرزوی طولانی مذمت شده؟ »، پژوهش، پژوهشکده باقرالعلوم، دی ۱۳۹۵ ه.ش.

تنبیه الخواطر، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد؛ انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ه.ش.

جعفری، محمد تقی، شرح نهج البلاغه،

جهانی پور، یاسر، « شرح دنیا طلبی در کلمات امام خمینی »، نشریه حضور.

حویزی، عروسی،

خمینی، روح الله، شرح جنود عقل و شیطان،

. شرح مصباح الشریعة / ترجمه عبد الرزاق گیلانی، ص ۴۵۵

دیلمی، ارشادالقلوب،

زین الدین بن علی، شرح مصباح الشریعہ، ترجمه عبد الرزاق بن محمد هاشم گیلانی، تهران؛ چاپ اول، ۱۳۷۷ ه. ش. صدوق،

فرزند وحی، جمال؛ سهرابیان، فاطمه؛ «آرزو در اسلام»، نشریه سراج منیر، شماره ۱۴، سال پنجم، بهار ۱۳۹۳ ه. ش. فیض کاشانی، محسن، المحججه البيضاء، کلینی، کافی،

کراجکی، محمد بن علی، نزهة النواظر / ترجمه معدن الجواهر، ترجمه عباس قمی، تهران؛ انتشارات اسلامیة، چاپ اول، بی تا.

گلزار، حمید، «اسلام درباره آرزو چه می گوید؟»، گروه اینترنتی رهروان ولایت، <https://www.welayatnet.com/fa>

مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، موسوی همدانی، انتشارات کتابخانه مسجد ولی عصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳ ه. ش. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، بی جا، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۴ ه. ش.

مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیر المومنین علیه السلام، تهران؛ انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۶ ه. ش. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه. ش. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل،

ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام

قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قم، دارالغدیر، ۱۴۲۳.

ب) سایت

عضیمه، صالح، «واژه‌ی اَمَل (آرزو) در قرآن»، ترجمه سید حسین سیدی، پدیدآورنده علی اکبر مظاهری، سایت راسخون، فروردین ۱۳۹۵ ه. ش.

wikifeqh.ir/

<https://article.tebyan.net>

ج) نرم افزار

نرم افزار جامع الاحادیث ۳

نرم افزار معارف دانشگاه ۱، آشنایی با منابع اسلامی

نرم افزار حدیث اهل بیت